

آل سعود، ساعت سقوط

نویسنده: ظفر بنگاش

ترجم: فاطمه جانی



انستیتو مطالعات آذرخش نادر
Andisheh Sasan-e Noor
Institute for Studies

تهران - اسفند ۱۳۹۵

سرشناسه	بنگاش، ظفر، ۱۹۵۴ م. Bangash, Zafar
عنوان و نام پدیدآور	آل سعود، ساعت سقوط / نویسندگان ظفر بنگاش؛ مترجم فاطمه جانی.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۲۹ ص.
شابک	978-600-8438-03-8
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The Doomed Kingdom of the House of Saud
یادداشت	عنوان دیگر: سلطنت محکوم به شکست آل سعود.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	سلطنت محکوم به شکست آل سعود.
موضوع	آل سعود
موضوع	Al- e Sa'ud, House of :
موضوع	عربستان سعودی -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰م.
موضوع	Saudi Arabia -- Politics and government -- 20th Century :
شناسه افزود	جانی، فاطمه، ۱۳۶۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ / ۹ آ ب / ۵۲ / ۲۲۴ DS
رده‌بندی دیویی	۹۵۲/۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۵۸۱۹۰۹

www.asnoor.ir
Email: info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

این کتاب ترجمه‌ای است از: The Doomed Kingdom of The House of Saud

نام کتاب: آل سعود، ساعت سقوط

نویسنده: ظفر بنگاش

مترجم: فاطمه جانی

ویراستار: سحر غفاری

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان

طراح جلد: جواد حسین‌خانی

چاپ و صحافی: نقش رنگ خجستگان

نوبت چاپ: اول - اسفند ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

سخن ناشر

جهان برای سعودی‌ها در حال تغییر است. عربستان سعودی به تدریج جایگاه پیشین خود را در میان کشورهای عرب و مسلمان از دست می‌دهد؛ حتی حامیان سنتی عربستان همچون آمریکا نیز دیگر حاضر به حمایت تمام‌عیار از خاندان سعودی نیستند. با این حال حکومت زره زور و پیر آل سعود همچنان به حکومت خود ادامه می‌دهد. این درحالی است که رژیم سعودی در داخل با معضلات عظیمی همچون بیکاری و فقر روزافزون مواجه است و تداوم این امر می‌تواند به بحرانی عمیق و چالشی جدی برای خاندان پادشاهی عربستان تبدیل شود. نشان شدن این چالش‌ها با فقدان زیرساخت‌های لازم در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی - به شده است تا ثبات عربستان بیش از گذشته متزلزل شود.

در ابعاد خارجی، دخالت‌های آل سعود در امور داخلی کشورهای منطقه نظیر عراق، سوریه، بحرین، یمن و... و حمایت از آشوب و ناامن شدن این کشورها به چالشی اساسی برای این کشور تبدیل شده، بلکه مشروعیت و نقش منطقه‌ای ریاض را نیز به شدت کاهش داده است. به نحوی که می‌توان رژیم سعودی را به همراه رژیم صهیونیستی دو رژیم بالش برانگیز در منطقه خاورمیانه به حساب آورد. نکته قابل توجه درباره هر دو رژیم، شیوه قدرتی برتری غصبی و همچنین استفاده از روش‌های سرکوبگرانه در اعمال قدرت است. این شیوه به خاندان مشروعیت شدید در داخل عربستان دامن زده و موجب شده که علاوه بر شیعیان - که همیشه در رنج بوده‌اند- اهل سنت و حتی برخی از شاهزاده‌های سعودی نیز به اعتراض برخیزند. با این حال رژیم سعودی نه به این اعتراضات واقعی می‌نهد و نه گامی در راستای اصلاح امور برمی‌دارد. خاندان سعودی حتی به فرزندان خود نیز رحم نمی‌کند. کما اینکه فرزندان ملک عبدالله توسط خود وی سال‌ها در حبس قرار گرفتند.

علاوه بر این، چشم انداز تحولات در عربستان سعودی بیانگر آن است که قدرت در این کشور طی سال‌های آینده دستخوش دگرگونی‌های جدی خواهد شد. افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، رقابت شاهزاده‌ها و نوادگان مؤسس رژیم سعودی، انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی و شکست‌های پی‌درپی سیاست خارجی ریاض در سطح منطقه، همگی از افول و سقوط رژیم سعودی حکایت دارند.

کتاب حاضر که به تفصیل به بحث چگونگی به قدرت رسیدن آل سعود، شیوه‌های حکمرانی، اقدامات و عملکرد و همچنین آینده رژیم سعودی پرداخته، اثر ظفر بنگاش است. وی مدیر مؤسسه اندیشه اسلامی معاصر در کانادا، معاون سابق مؤسسه اسلامی در لندن و سردبیر مجله اخبار بین‌المللی اسلام است. از وی کتاب‌های مختلفی به زبان فارسی در حوزه جهان اسلام منتشر شده است. ظفر بنگاش در کتاب حاضر معتقد است که چالش‌های اصلی رژیم سعودی پس از مرگ پادشاه تازه به قدرت رسیده این کشور (ملک سلمان) آغاز خواهد شد. مشکلات و دردسرهایی جدی را برای انتقال قدرت در این کشور پیش روی آنان خواهد گذاشت. وی بر این باور است که روند انتقال قدرت به نسل جدید رهبران عربستان، آزمونی خواهد بود برای بقای خاندان حاکم است و به همین دلیل، احتمال بروز برخی اختلافات داخلی درون رژیم سعودی بسیار زیاد است.

مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور در راستای اهداف خود جهت بررسی و تبیین شرایط موجود در کشورهای منطقه، انتشار کتاب حاضر را گام مهمی جهت شناخت و درک صحیح وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عربستان و آینده آن کشور سعودی می‌داند.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

اسفند - ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۹	 دیباچه نویسنده
۱۱	 دیباچه محمد العاصی
۱۵	 مقدمه
۲۱	 فصل اول: پادشاهی تمام عیار
۲۴	 قانون اساسی سعودی
۲۵	 فعالان حقوق بشر
۳۹	 فصل دوم: رزاندن دختران، سر بریدن خدمتکاران
۴۲	 آتش روزی مدرسه دخترانه مکه
۴۶	 سر بریدن یک مسلمان به خون بخت
۵۱	 مبلغ متجاوز مشهور
۵۴	 دختران ملک عبدالله
۵۶	 زنان، لطفاً رانندگی ممنوع
۶۵	 فصل سوم: وهابیت
۷۱	 وهابیت: تئوری و عمل
۸۳	 فصل چهارم: هیولاهایی از درعیه
۸۶	 ویران کردن اماکن مقدس
۸۷	 عبدالعزيز بن سعود
۸۸	 ابن سعود و بریتانیا
۸۹	 شریف مکه، حسین بن علی
۹۱	 فصل پنجم: خاندان سعود کارگزار بریتانیا می شود
۹۴	 توافق سایکس - پیکو
۹۵	 شریف حسین به عنوان خلیفه
۹۶	 حمله دوباره به مکه
۹۷	 پادشاه عبدالعزيز بن سعود
۹۹	 فصل ششم: آل سعود از دامن بریتانیا به دامن امریکا
۱۰۱	 اخوان وهابی و آل سعود
۱۰۳	 بریتانیا و عربستان
۱۰۴	 پمپ بنزین امریکا!!

۱۱۱	فصل هفتم: تخریب میراث اسلامی
۱۲۱	تاریخچه گنبد سبز
۱۲۳	تقویت گنبد سبز
۱۳۱	فصل هشتم: فقر در میان فراوانی
۱۴۷	فصل نهم: خاندان از هم گسیخته
۱۵۶	پیوند با علما
۱۵۹	روابط خانوادگی
۱۶۱	اتکا به امریکا
۱۶۹	فصل دهم: فعالیت پرسود عربستان
۱۷۴	رابطه العالم الاسلامی
۱۷۶	دانشگاه اسلامی مدینه
۱۷۷	مجمع جهانی جرّان دلسان
۱۸۱	انتشارات
۱۸۷	فصل یازدهم: بدعتها و ابرو: عدها
۱۹۴	سلطنت یک ابربدعت است
۱۹۷	فصل دوازدهم: آینده...
۲۰۷	ضمائم
۲۰۹	ضمیمه اول: نامه سرگشاده از العنود الفایز، همسر سابقه عبداللّه به باراک اوباما...
۲۱۱	ضمیمه دوم: بیانیه علمای سعودی در ارتباط با کودتای عربستان...
۲۱۵	نمایه

دیپاچه نویسنده

درباره ماهیت واقعی رژیم عربستان سعودی، سوءبرداشت‌های بسیاری در میان مسلمانان وجود دارد. از جهتی این سوءبرداشت‌ها قابل درک است؛ زیرا دو شهر مقدس مکه و مدینه در جزیره‌العرب واقع شده‌اند (که با تجاوز از سنت نبوی و با حاکمیت خانان سعودی، به این نام موسوم شد). مسلمانان برای این دو شهر احترام و تکریم بسیاری قائلند. بر همین اساس، به اشتباه می‌پندارند که حرمت این دو شهر مقدس، به نحوی به حاکمان آنها نیز تسری می‌یابد.

رژیم سعودی نیز مانند این تصور را ترویج می‌دهد و میلیاردها دلار هزینه کرده (مبلغی در حدود صد میلیارد دلار از سال ۱۹۷۵م به بعد) تا این تصویر فریبنده را طراحی کند. این مسئله نه تنها افراد و سازمان‌های سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را به شبکه گسترده پشتیبان رژیم می‌سازد، بلکه موجب می‌شود که حاکمانکشورها، هر گونه انتقاد از اشتباهات بی‌شمار این رژیم را نادیده بگیرند.

هدف این کتاب، نشان دادن واقعیت رژیم سعودی و ماهیت حقیقی آن است؛ این کار از طریق بررسی قوانین عربستان انجام می‌شود که در اصل، شامل مجموعه احکامی است که پادشاه سعودی از طریق آنها حکمرانی می‌کند. همچنین روش‌ها و خاستگاه خانواده سعودی و وهابیسیم و اینکه مردم چگونه به این قوانین بی‌رحمانه تن داده‌اند نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، کتاب حاضر بر آن است تا به سویری دقیق از واقعیت این پادشاهی به نمایش گذارد. من عمداً از نگارش آکادمیک این کتاب پرهیز کردم، تا خواندن کتاب برای مخاطبان عادی نیز آسان باشد. امید است که این کتاب بتواند تصویر حقیقی‌تری از واقعیت رژیم سعودی و آسیب‌هایی که به اسلام و مسلمانان وارد می‌کند، به دست دهد.

در آماده‌سازی این کتاب، از کمک‌ها و مشورت‌های ارزشمند امام محمد العاصی و همچنین عقیف خان بهره برده‌ام. عقیف خان در هنگام تدوین کتاب، دو بار آن را

ویرایش کرده است. به خاطر کمک‌ها و مشورت‌هایشان بسیار مرهون هر دوی آنها هستم و هر گونه اشتباهی کاملاً متوجه من است و خواهان عفو خداوند بخشنده مهربان و سپس خوانندگان کتاب هستم و اگر اشتباهاتم به من گوشزد شود، سپاسگزار خواهم بود.

ظفر بنگاش، مدیر مؤسسه اندیشه اسلامی معاصر (ICIT) ریچموند هیل، اونتاریو، کانادا

www.ketab.ir

مقدمه

در اولین ساعات ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵م (۱ بامداد به وقت سعودی) ایستگاه‌های تلویزیونی عربستان سعودی، برنامه‌های عادی را قطع و شروع به پخش فرازهایی از قرآن کریم کردند. هرگاه که یکی از اعضای ارشد خانواده سلطنتی از دنیا می‌رود، این کار به همین شکل انجام می‌شود. ملک عبدالله، بلافاصله بعد از کریسمس، در حالی که از التهاب ریه رنج می‌برد و با دستگیر به صورت مصنوعی تنفس می‌کرد، در بیمارستان پذیرش شد. با توجه به ۹۰ سالگی و سابقه چندین بیماری مزمن، مرگ او قابل پیش‌بینی بود. این خبر را در ابتدا رسانه‌های اجتماعی اعلام کردند. اعلام رسمی از دربار چندان طول نکشید، اگرچه به نظر می‌رسد که خانواده سلطنتی به زمان بیشتری نیاز داشت تا از جزئیات قبل از اعلام مرگ پادشاه، مطلع شود. طی چند ساعت اعلام شد که سلمان ولیعهد، پادشاهی را برعهده خواهد گرفت و ملک عبدالله نیز در همان روز بعد از نماز جمعه، دفن خواهد شد. مرگ عبدالله دوباره این سؤال را مطرح کرد که «پادشاهی آل سعود تا چه زمان باقی خواهد ماند؟» به نظر می‌رسد که آل سعود گرفتار تاریخ و وقایع و فرایندهای تاریخی شود. همچون یک معمای پیچیده در تناقضات، شگفتی است که رژیم سعودی برای این مدت طولانی (از سال ۱۹۲۵م تاکنون) بر سر قدرت مانده است. در کتابهای دیگر جهان یا به زباله‌دان تاریخ فرستاده یا به زیر خاک مدفون شده‌اند، اما آل سعود از زمان سلطه بر نجد و حجاز در سال ۱۹۲۵-۱۹۲۶م همچنان به حکومتش در جزیره العرب ادامه داده است. از جمله مباحثی که باید بررسی شود، علل ماندگاری رژیم سعودی و چالش‌هایی است که این خاندان با آن مواجه‌اند.

با توجه به تحولات، قیام‌ها و بحران‌های موجود در منطقه، این مسئله مورد تردید است که آیا آل سعود خواهد توانست، مانند اشغالگران نامشروع قدس، مدت حکومتش را به صد سال برساند. حکومت سعودی اکنون، علاوه بر تحمل مشکلات خارجی که مانند سیل بر سرشان سرازیر شده، مجبور است دولتمردان مسنی را نیز که مقامات و مناصب

بالای حکومتی دارند، تحمل کند؛ یعنی این رژیم هم با مشکلات داخلی و هم با چالش‌های خارجی دست به گریبان است. در داخل، آل سعود با نارضایتی گسترده حاصل از رشد سریع جمعیت مواجه است که حل نشده باقی می‌ماند. فساد، در حال نابود کردن موتور محرک جامعه است و نظام قضایی ناکارآمد نیز بر نارضایتی مردم افزوده است. از لحاظ مناسبات خارجی نیز شکست سیاست‌های سعودی مشخص شده است؛ به ویژه در سوریه که بشار اسد، با وجود ضربه مهلکی که در مارس ۲۰۱۱م بر آن وارد آمد، همچنان بر سر کار است. گروه‌های تروریستی مورد حمایت مالی رژیم سعودی تاکنون در دستیابی به هدف ژئواستراتژیک خود شکست خورده‌اند و در عوض، همان گروه‌ها به هیولایی تبدیل شده‌اند که رژیم سعودی را تهدید می‌کنند.

در این کشور، بیکاری، گسترده و در نتیجه فقر وجود دارد. حداقل ۶۰ درصد از جمعیت سعودی زیر پست سبیل هستند و امید زیادی به آینده ندارند. برخلاف درآمد ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلاری سالانه نفت، با اساس یک برآورد، ۴۰ تا ۶۰ درصد سعودی‌ها در فقر زندگی می‌کنند. این درآمدها به علت نوسان قیمت نفت از ژوئن ۲۰۱۴م به نحوی کاهش داشته است، اما این کشور ذخایر نفتی عظیمی دارد که به حدود ۷۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. اعمال حج نیز سالانه ۳۲ میلیارد به ارمغان می‌آورد، اما اغلب این پول به جیب دزدان خانواده سلطنتی می‌رود. حداقل ۷۰ درصد مردم نمی‌توانند صاحب خانه شوند. زنان به شدت سرکوب می‌شوند و ممنوعیت مضحک رانندگی، تنها یکی از ظواهر آن است.

اغلب کارهای کمرشکن و سخیف (نوکری) توسط کارگران خارجی انجام می‌شود که ۹۰ درصد از حوزه کار خصوصی را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که کاری در میان سعودی‌های بیست تا بیست و چهار ساله به حدود ۴۰ درصد می‌رسد. ۲۰۰ نیز شروع به اعتراض علیه این بی‌عدالتی‌ها و نبود آزادی‌های اساسی کرده‌اند. حتی کشورهای پیرامون عربستان سعودی، یعنی اتوکراسی‌ها نیز مجبور شده‌اند برخی حقوق را برای ایجاد فضای باز سیاسی و پاسخگویی به افکار عمومی، به مردم واگذار کنند. سعودی‌ها که مدت‌های مدیدی است تحت سرکوب قرار دارند، برای ابراز وجود، به شبکه‌های اجتماعی متوسل شده‌اند. با وجود در بند بودن سی تا چهل هزار نفر در زندان به دلیل مطالبه حقوق اساسی، این رژیم توانسته است خشم و غضب مردم را کنترل کند. جمعیت شیعی در استان شرقی همواره ناراضی بوده‌اند؛ چرا که مدت‌هاست از نبود فرصت‌ها و تفضیع حقوق‌شان رنج

می‌برند. این در حالی است که نارضایتی‌ها اکنون از حصارهای قوم‌گرایانه فراتر رفته است. از میان چهل هزار زندانی سیاسی، اغلب آنها اهل سنت هستند. به علاوه، این زندانیان شامل علما، استادان دانشگاه و حقوق دانان می‌شوند که متعلق به بخش‌های مختلف عربستان، از جمله استان قسیم در شمال ریاض که قلب وهابیسم شمرده می‌شود، هستند. اکثر سعودی‌هایی که در دانشگاه‌های غربی تحصیل کرده‌اند، پس از بازگشت به کشورشان، حاضر به قبول وضع موجود نیستند. آنها خواهان شغلی مناسب با مدرک تحصیلی‌شان هستند و همچنین می‌خواهند که کشورشان به شیوه دیگری اداره شود. این در حالی است که هیچ مکانی برای چنین کاری وجود ندارد. بنابراین وضعیت موجود برای آنها به‌راحتی قابل‌تأمل نیست.

بسیاری از سعودی‌ها دارای مدارج بالا، برخی با دکترا و فوق لیسانس از دانشگاه‌های امریکا و اروپا، شاکی بوده‌اند که با وجود ارسال درخواست‌هایی برای کار، هیچ پاسخی از جانب هیچ یک از دانشگاه‌های این کشور دریافت نکرده‌اند. دانشگاه‌ها فرصت‌های شغلی دارند، اما سعودی‌های دارای تحصیلات عالیه بیکار مانده‌اند؛ حتی روزنامه انگلیسی‌زبان *ایم‌ان‌ا*، یعنی سعودی‌ها، در دسامبر ۲۰۱۲م گزارش داد که ۳۵۰۰ مرد و زن با رتبه‌های دکترا و مدارک عالیه از دانشگاه‌های برتر امریکا و اروپا، بیکار مانده‌اند.

ولید بن طلال، شاهزاده میلیاردی سعودی با ثروتی به ارزش ۲۰/۴ میلیارد دلار (او صاحب یک مجموعه جت شخصی با ۴ اتاق خواب و مشروبات روحی‌های بی‌شمار به ارزش ۴۸۵ میلیون دلار است)، بیکاری و فقر گسترده را به عنوان «ویرانه‌ای از پنج بمب ساعتی در این کشور توصیف کرده است. ولید یک تاجر است و در مسائل سیاسی دخالت نمی‌کند، اما وی نیز به این وضع وخیم اعتراض کرده است؛ چرا که او خطرات جدی برای تسلط خانواده سلطنتی را بر قدرت می‌بیند. شاید سایر شاهزاده‌های سعودی نیز در مورد دغدغه‌های مشابه در محافل خصوصی خانواده سعودی اعتراض کرده باشند، اما ظاهراً به ندرت به این بحران‌های فزاینده رسیدگی می‌شود.

در وضعیت کنونی، پادشاه و شاهزادگان محدود هم‌مسلك در اطراف او، تمام تصمیمات را اتخاذ می‌کنند. مردم ملت‌مسانه به دربار سلطنتی می‌آیند؛ جایی که پادشاه به مردم بذل و بخشش می‌کند و این چیزی است که سعودی‌های تحصیل‌کرده

نمی‌پذیرند. آنها نمی‌پذیرند که ثروت کشور از آن خانواده سلطنتی باشد و خاندان سعودی این ثروت را به هر نحوی که می‌خواهند توزیع کنند.

براساس قانون اساسی اعلام شده توسط ملک فهد در سال ۱۹۹۲م (که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵م حکومت کرد)، برادر پادشاه از دنیا رفته، جانشین وی می‌شود (با اشاره به گروه معین پسران عبدالعزیز بن سعود، یعنی بنیان‌گذار پادشاهی پدرسالار). اگرچه قانون اساسی عربستان قدیمی است و ظاهراً و به دروغ، مدعی استناد به قرآن و سیره است، ولی این دین هیچ پایه‌ای در قرآن و حدیث ندارد و این مسئله در گذشته که پسران عبدالعزیز به نسبت جوان بودند، مهم نبود، اما اکنون اوضاع دگرگون شده است.

کهنسال‌ها، شخصیه‌ها، بالای این کشور، عامل نگرانی شدیدی است. عبدالله مرده است، پادشاه - دید، سلمان، ۷۹ ساله است و از چند بیماری مزمن رنج می‌برد. در میانه سال ۲۰۱۴م، عبدالله، مقرر را به عنوان ولیعهد تعیین کرد تا نگرانی‌ها در مورد مرگ دو ولیعهد قبلی را با جانشین سریع کاهش دهد؛ یعنی سلطان در اکتبر ۲۰۱۱م و نایب در ژوئن ۲۰۱۴م.

مقرن ۷۰ سال سن دارد. البته هیچ‌کس از رافعی خانواده سلطنتی سعودی را نمی‌داند، اما به نسبت استانداردهای سعودی، تقریباً جوان پنداشته می‌شود. ترسی که وجود دارد این است زمانی که این نسل از خانواده سلطنتی بمب به نسل بعدی ممکن است به قوانین موجود در مورد جانشینی پایبند نباشند. مشخص نیست که قانون اساسی جاری - یعنی برادر بعدی به ترتیب جانشین پادشاه خواهد شد - تا چه حد در مورد نوه‌های عبدالعزیز اجرایی خواهد شد. بعد از مقرن، عبدالعزیز بن سعود هیچ پسر ندارد؛ که بر تخت جلوس کند. نمی‌توان دشمنی ریشه‌دار در میان نوه‌های پرشمار پادشاه سعودی را انکار کرد. با توجه به آرزوهای دور و دراز و سرکش و بی‌رحمی آنها، جانشینی ممکن است به یک مسئله بغرنج تبدیل شود؛ به خصوص که این نزاع، به آل سعود منحصر نمی‌ماند. در واقع سهم‌خواهان بسیاریند؛ حامیان آنها در بیرون از این خانواده بزرگ در گارد ملی، هیئت علما و مطوعین نیز درگیر این نزاع خواهند شد. این مسئله آنقدر گسترده خواهد شد که کل جامعه این کشور را دربر خواهد گرفت. جنگ داخلی و عواقب وحشتناک آن، یک احتمال روشن است؛ حتی تجزیه عربستان سعودی نیز نامتحمّل نیست.

همچنان که این کشور با مشکلات داخلی دست و پنجه نرم می‌کند، ابرهای طوفانی نیز

در حوزه خارجی در حال انباشته شدن است. سوریه و عراق دو حوزه‌ای هستند که بر سیاست خارجی این کشور سایه‌ای تاریک انداخته‌اند. گروه‌های تروریستی منتشرشده در هر دو کشور، احتمال دارد که آل سعود را نیز شکار کنند. این هیولاهای خون‌آشام که توسط سعودی‌ها خلق شدند، به مناطق دوردست محدود نخواهند ماند. آنها بازخواهند گشت تا دستی را که به آنها غذا داده است، گاز بگیرند. گزارش‌هایی از خانه‌های تکفیری در درون این کشور وجود دارد. آنها حتی به درون نیروهای امنیتی رخنه کرده‌اند؛ به علاوه، تحولات منطقه‌ای موجب شده آنها به مدت طولانی بر عربستان سعودی سایه بیندازند. تغییرات تونس، مصر، لیبی و یمن باعث ایجاد مشکلاتی برای خانواده سلطنتی شده است. درست است که در مصر یک کودتای نظامی، باقی‌ماندگان رژیم مبارک را دوباره به کرسی نشاند، اما این مسئله هزینه بسیاری دربرداشته است. مصر با جمعیت ۸۰ میلیونی، مجموعه‌ای از مشکلات است. مشکلات جدی رژیم سعودی در حوزه بیکاری و فقر داخلی نمی‌گذارد که این رژیم به حمایت مالی از گروهک‌های خارجی ادامه دهد. آدمکش‌هایی در لیبی رها شدند که در اکتبر ۲۰۱۲م در ملأعام سرهنگ معمر قذافی را زجرکش کردند و اکنون همان آدمکش‌ها به سوریه و عراق هجوم آورده‌اند. آنها در مرزهای عربستان هستند و می‌توانند به راحتی به درون این کشور راه پیدا کنند، هرچند تاکنون این کار را انجام نداده‌اند.

تناقضات دیگری نیز وجود دارد که رژیم سعودی با آنها مواجه می‌کند. با وجود قلمداد کردن خودشان به عنوان قهرمانان دنیای سنی - اسلامی که به دلیل تفاسیر افراطی و غلط سعودی مورد اعتراض اکثریت قریب به اتفاق سنی‌هاست - سیاست‌های این کشور به طور فزاینده‌ای غیرقابل دفاع است. برای مثال، سعودی‌ها در مورد حمایت‌شان از خیزش سنی علیه بشار اسد در سوریه، سر و صدای زیادی به پا کردند. این رژیم همچنین از کارت قوم‌گرایی برای توجیه تجاوزش به بحرین که اکثریت جمعیت آن شیعه هستند، استفاده کرد تا اقلیت حاکم، یعنی آل خلیفه، را سر پا نگه دارد.

اما در همین جاست که تناقضات دامن آنها را گرفته است. جمعیت دو کشور تونس و مصر اکثراً سنی هستند. مسلمانان این دو کشور و جاهای دیگر می‌پرسند: چگونه قهرمانان خودخوانده سنی‌ها (حاکمان سعودی)، توانسته‌اند به زین‌العابدین بن علی، دیکتاتور تونس، پناه دهند و چگونه توانسته‌اند از دیکتاتور خونخوار و کارگزار

امریکایی - صهیونیستی، یعنی حسنی مبارک، برای چندین سال پشتیبانی کنند؟! در حالی که بن علی و مبارک چندین دهه با مردم خود وحشیانه رفتار کردند. فاجعه‌بارتر اینکه رژیم سعودی چگونه توانست از قصابی مسلمانان بی‌گناه سنی توسط ارتش مصر در آگوست ۲۰۱۳م حمایت کند؟ سعودی‌ها از این دیکتاتورها به صورت یکسان تا ۲۰ میلیارد دلار حمایت مالی کرده‌اند. آنها اولین افرادی بودند که از این کودتا حمایت کردند و شاید مجبور به هزینه میلیاردها دلار دیگر برای حفظ ارتش در قدرت باشند. مصر ممکن است منشأ و باعث مشکلات بسیاری برای عربستان شود.

در این بین ترس واقعی سعودی‌ها، قدرت و نفوذ فزاینده ایران اسلامی است؛ این ترس برای ریاض به مثابه کابوس است. تمام سیاست‌های سعودی‌ها برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، شکست خورده است. در عوض جمهوری اسلامی ایران دائماً با ثبات‌تر می‌شود و ریشه می‌کند، در حالی که نفوذ عربستان سعودی کاهش یافته است. این مسئله در عراق، سوریه و یمن واقعیت دارد. یمن به صورت عرفی قلمرو سعودی پنداشته می‌شد، اما فعالیت‌های تروریستی القاعده تحت حمایت عربستان و خیزش حوثی‌ها تحت نام انصارالله، این محاسبه را به هم ریخته است. حوثی‌ها، شیعیان زیدی، دوست ایران تلقی می‌شوند، در حالی که حزب مورد حمایت سعودی، یعنی اصلاح، به عنوان یک گروه غالباً وهابی، نفوذ خود را در یمن از دست داده است، اگرچه شرارت را کاملاً رها نکرده است.

تحولات دیگری نیز وجود دارد که موجب افزایش نگرانی سعودی‌ها شده است. تأکید امریکا بر تغییر مسیر از خاورمیانه به منطقه آسیا پاسفیک است؛ به علاوه ارتش امریکا که در عراق و افغانستان شکست خورده، اشتباهی امریکا برای ساجراجویی‌های مستقیم را تعدیل کرده است، اگرچه واشنگتن سیاست بی‌ثبات‌ساز را سایر کشورها را رها نکرده است. این مسئله فقط به وحشت‌های ریاض می‌افزاید.

نگرانی واقعی سعودی‌ها همچنان باقی می‌ماند و دیگر اطمینان‌خاطر وجود ندارد. اینکه چه کسی جایگزین آنها خواهد شد معلوم نیست، اما کاملاً مشخص است که دوران سعودی‌ها رو به زوال است.